

بر مبنای اسطوره‌های کهن هنگامی که پاندورا جعبه ممنوعه را گشود و مصائب را در جهان گستراند، 'امید' را تنها چیز باقیمانده‌ای یافت که می‌توانست تسلیی برای بشر باشد. اما آیا نقش مثبت 'امید' در زندگانی آدمی حقیقتاً محل اجماع اندیشمندان، متفکران و فرزندان هم‌عصر بوده است؟ 'امید' با همه اهمیت‌هایی که به نظر می‌رسد در زندگی انسان‌ها داشته باشد، از نگاه فیلسوفان تاحدودی امری حاشیه‌ای تلقی شده است و تعداد اندکی از آنان در آثار خود مستقیماً به آن پرداخته‌اند و دیدگاه‌های موجود در باب آن نیز بسیار متفاوت و حتی برخی مواقع متقابل است. چه بسا بخشی از این مشکل به دلیل ضعف در تجسم 'امید' به مثابه هیجانی آمیخته با مؤلفه‌های شناختی، اجتماعی و معنوی بوده باشد. در عصر جدید، همراه با رشد تکنولوژی، 'امید' و مفاهیم دیگری مانند شادی، همدردی، همدلی و مهربانی، ارزش و معنای خاص یافته‌اند و فلسفه، روانشناسی، جامعه‌شناسی و ... هر یک تعریفی مختص به خود از آن ابداع کرده‌اند. اکنون سخن بر سر آن است که آیا اصولاً 'امیدورزی' خواهد توانست در تلاطم زندگی ماشینی این دنیای پره‌ماهو در مسیر یافتن آرامش و رضایت از زندگی به انسان یاری رساند؟ انسان امروزی به چگونه چیزهایی می‌تواند امید بندد؟ و ... مهم‌تر از همه اینکه آیا اصلاً مجاز به 'امیدورزیدن' هستیم؟

از حوزه‌هایی که در دو دهه اخیر با تکیه بر مفاهیم فلسفی به صورت کاربردی، مفهوم 'امید' را در کانون توجه خود قرار داده‌اند می‌توان به روانشناسی مثبت‌گرا اشاره کرد. سلیگمن پدر روانشناسی مثبت‌گرا آدمی را نیازمند 'امید' به آینده می‌داند، 'امید' را، که قابلیت است زاید فضایل انسانی، محور نیمه مثبت وجود او قلمداد می‌کند و معتقد است روزنه‌های 'امید' باید کشف شده و به انسان نشان داده شوند. این 'امید' مفهومی مقابل یأس، و متفاوت با خیال پردازی است. از نظر او ه‌جانب‌های مثبت و منفی انسان سه مس‌ر حال، آینده و گذشته را می‌پیمایند و ه‌جانب‌های مثبت مربوط به آینده، ام‌دواری را، به همراه خوش‌بینی، ایمان، و باور و اعتماد در خود جای می‌دهند. افزون بر این، او ام‌د (خوش‌بینی، روبرو با آینده داشتن) و معنویت (مذهب، ایمان، هدف) را در کنار مؤلفه‌های دیگری مانند قدردانی، شگفتی، بخشودگی، شوخ‌طبعی، سرزندگی از جمله مؤلفه‌هایی معرفی می‌کند که با تأثیرات شگرفی که در روان آدمی به جای می‌گذارند یاری‌رسان او در نیل به شادکامی خواهند بود. سلیگمن 'امید' و انگیزه را دو عاملی می‌داند که بدون آنها حرکتی شکل نمی‌گیرد و خوش‌بینی را پیش‌نیازی برای این حرکت‌های امیدوارانه او می‌انگارد.

ام‌د، که جزیر امنی در برهوت نام گرفته است، و در دیدگاه روانشناسانه به سطوح زندگی اجتماعی انسان و به اموری چون فعال‌ت‌های شغلی و فراغت، روابط و تعاملات فردی و اجتماعی و سلامت روانی می‌پردازد، در حوزه‌های فلسفه، دین و عرفان اهدافی متعالی‌تر و بنی‌تر را نیز در برابر انسان ترسیم می‌کند. تفاوت بارز دیدگاه‌های موجود در باب ماهیت بنیادین 'امید' آن را به یکی از مهم‌ترین مسائل نظریه 'امید' مبدل ساخته است؛ از افلاطون و ارسطو گرفته که 'امید' را تا حدودی گمراه‌کننده می‌دانستند، تا ادیانی که آن را نوعی 'فضیلت الهی' (یا مانند بودا رذیلت) معرفی می‌کنند، متفکرانی که امید را به ایمان و عشق پیوند می‌دهند، کسانی که مقولاً امید را ستیهنده با عقل نمی‌دانند، تا کسانی که آن را نشانی از 'ضعف بشری' به حساب می‌آورند.

کانت با طرح نظریه اصول موضوعه در نظریه اخلاقی خود به مقولاً امید می‌پردازد. امید همچنین در آثار سیاسی اخلاقی ارنست بلوخ و گابریل مارسل نقشی اساسی دارد و به ترتیب 'اشتیاق به اتویا' و 'آمادگی برای استعلا یافتن از موقعیت‌های مایوس‌کننده' لقب گرفته است. اریک فروم امید را در کنار دو عنصر دیگر یعنی ایمان و شکیبایی از 'عناصر ذاتی ساختار حیات' دانسته است. در کنار عده‌هایی که امید را پدیده‌ای طبیعی می‌دانند گروهی دیگر وجود دارند که آن را هدیه‌ای از جانب خدا محسوب کرده‌اند. در الاهیات مسیحی 'امید' به همراه محبت و سنگ بنای خود 'ایمان' سه فضیلت الاهیاتی در نظر گرفته می‌شوند. در این فضایل 'ایمان' از مرتبه‌ای بالاتر از دو فضیلت دیگر برخوردار است، و 'امید' فرع بر 'ایمان' و هم مرتبه‌ای محبت است؛ بدان معنا که بدون 'ایمان'، 'امید' وجود نخواهد داشت. تعبیر و تفاسیر گوناگون 'امید' از دنیای باستان گرفته تا قرون وسطی و تا کانت یعنی سده‌های پیش از عصر مدرن بیانگر آن است که در این اعصار، 'امید' بیشتر امری آفاقی و فراانسانی در نظر گرفته می‌شده است. حال آنکه در دور پسامدرن 'امید' از عالم خارج، به فرد انسانی و احوالات مخصوص او معطوف می‌شود و بیشتر حالات درونی انسان است که مشمول و موضوع امید میشوند.

'ایمان' در حکم معیاری است که می‌تواند میزان 'امید' طلبی، و اعتماد و یکپارچگی معنوی را در افراد نشان دهد. دل‌بستگی‌های امیدمحوری که در 'ایمان'، اعتماد و صداقت ریشه دارند قادرند انسان‌ها را از بدبینی و انزوا به در آورند و تبحر 'امید' محور بهخوبی می‌تواند ایمنی را در برابر وضعیت‌های درماندگی و نومیدی تضمین کند. 'امید' با ریشه داشتن در 'ایمان' و اخذ رنگ و بوی معنوی از آن، می‌تواند موجب شود که فرد و نیز یک "ملت" در بدترین شرایط انسجام خود را

حفظ کنند؛ از این روست که میزان 'امید' داشتن انسان، اعم از 'امید' خلقی یا 'امید' ارادی از جمله معیارهایی است که می تواند کیفیت زندگی درونی او را در شرایط متلاطم مشخص سازد.

این مجموعه بر آن است که در باب ماهیت 'امید' در جهان انگریه های دینی و غیردینی، 'امیدورزی' و 'امیدزدایی'، پیش شرط های 'امید'، مضمون یا متعلق 'امید'، کارکرد یا غایت 'امید'، و در نهایت خصایص افراد 'امیدوار' و 'نومیدی' به صورتی موجز افق گشایی کند. بدان جهت که 'ایمان' همبسته ضروری 'امید' به شمار می رود سعی بر آن بوده است که مطالب مربوط به 'امید' و 'ایمان' در دفتر حاضر به موازات یکدیگر پیش برده شوند. و در نهایت امید بر آن بوده است که مجموع مقالات دفتر 'امید و ایمان' بتواند هر چند اندک پاسخگوی این پرسش اولیه ذهن در باب امید باشد که،

" آیا اصلاً 'امیدورزی' از توجیه معرفتی برخوردار است؟ "

از راهنمایی ها و نظرات علاقمندان به حوز مذكور به گرمی استقبال خواهیم کرد.

به صد ام د نهاد م در ا ن باد ه پای
ای دل دل گمگشته فرو مگذارم